

مروری بر زیست فردی حجت‌الاسلام والمسلمین الهی‌خراسانی در گفت‌وگو با فرزند ایشان

الگوی الگوسازی معنوی



ف در مورد حیات معنوی همیشه به ما می‌گفتند شاکله شخصیتی و وجودی بنده را چهار نفر درست کردند؛ مرحوم آیت‌الله میلانی، مرحوم شیخ مجتبی قزوینی، مرحوم آیت‌الله مروارید و مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی و به لحاظ معنوی به‌شدت تحت تأثیر اساتید خود بودند

گوشی داستان باشد». من کودک می‌گفتم خب چرا خودشان تماس نمی‌گیرند؟ و متوجه نبودم ایشان به این شیوه می‌خواهند من آداب معاشرت و همچنین صله رحم را تمرین کنم. عادت دیگری که داشتند درخصوص نحوه ارائه اطلاعات به ما بود. مثلاً ممکن بود نام شخصی را از تلویزیون بشنوند، رو به ما می‌پرسیدند این شخص تاریخی کیست؟ و مثلاً برو فلان کتاب را بیاور تا درباره‌اش بیشتر بدانیم. به این ترتیب ما در دوران ابتدایی با کتب مرجع آشنا بودیم و ایشان این‌گونه روش تحقیق و بررسی را به ما می‌آموختند.

در مورد موضوعات دینی دوست نداشتند آدم‌هایی باشیم که بدون تحقیق راهی را انتخاب کنیم. بنابراین درباره خیلی از حرف‌هایی که ممکن است مشهوراتی هم باشند ما را به مطالعه دعوت می‌کردند و سؤال را با روی باز و محققانه جواب می‌دادند. داماد ما آقای دکتر محروقی نقل می‌کردند مرحوم پدرم برای نظر نوجوانان اهمیت قائل می‌شدند. در جمع‌هایی که بزرگ‌ترها بودند، اگر نوجوانی حرفی می‌زد؛ ایشان دیگران را به سکوت دعوت می‌کردند تا حرف بچه‌ها

خواندید یا نه. بیشتر به نماز اول وقت و مسجدرفتن توصیه می‌کردند. درواقع به پیروی از سلوک علما برای ما حکایات اخلاقی و معنوی نقل می‌کردند. از استاد مرحوم میرزاده، هادی تهرانی، مرحوم امام خمینی(ره)، آیت‌الله میلانی و شیخ مجتبی قزوینی؛ به جای اینکه توصیه یا یادآوری‌های مستقیم کنند این‌گونه الگوهای معنوی را در چشم ما بزرگ می‌کردند.

نکته قابل توجه دیگر درخصوص نماز شب بود که نمی‌گفتند حتماً بخوانید، بلکه می‌گفتند اصرار بر ترک نماز شب نداشته باشید. هیچ وقت رفتار مبتنی بر مؤاخذه و اجبار نداشتند. بسیار مقید به دعا و مناجات و همچنین اهل مجالس روضه بودند.

■ایشان برای تربیت فرزندان ومواجهه با کودکان چه اسلوب روشی داشتند؟

در مورد فرزندان‌شان بسیار بر روابط اجتماعی و آداب تأکید داشتند. گاهی به بنده می‌گفتند: «شماره منزل عمویت را بگیر. سلام و احوالپرسی کن و بگو پدرم با شما کار دارد،

اینکه خودکار خودشان است آن خودکار را توی جیب می‌گذارند. مدیر داخلی که از اخلاق پدر مطلع بودند به ایشان متذکر می‌شوند و پدر ایشان را تشویق می‌کنند. از این قسم موارد در خاطر ما و همکاران و معاشرین ایشان به وفور است. در زندگی شخصی نیز نوع عیایی که داشتند عبا‌ی چهار فصلی بود. عبا و قیای ایشان بسیار ساده و متوسط بود و مکرر می‌فرمودند روحانی و طلبه باید ساده‌زیست باشد و خودشان را طلبه‌ای ساده می‌دانستند.

■این‌ها جنبه‌های مالی بود، درخصوص جنبه‌های معنوی هم‌بفرمایید.

در مورد حیات معنوی همیشه به ما می‌گفتند شاکله شخصیتی و وجودی بنده را چهار نفر درست کردند؛ مرحوم آیت‌الله‌میلانی، مرحوم‌شیخ‌مجتبی قزوینی، مرحوم‌آیت‌الله مروارید و مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی و به لحاظ معنوی به‌شدت تحت‌تأثیر اساتید‌خودبودند.

نماز اول وقت و نماز جماعت برای‌شان اهمیت داشت. در نماز جماعت پشت سر افراد مختلف نماز می‌خواندند. امر دیگری که به آن توجه خاص داشتند زیارت‌امام‌(ض‌ع) بود. ایشان هر روز صبح برای زیارت مشرف می‌شدند و نمازهای مستحبی را در قسمت خدام می‌خواندند. نمازی که به آن توجه داشتند نماز استغاثه به امام زمان(عج) بود و توصیه می‌کردند در زیر آسمان خوانده شود. با این تأکید و توجه به خاطر ندارم یک بار مستقیم از ما پرسیده باشند نماز

ریحانه‌عامل‌نیکا | اهل هر رشته و فنی که باشیم بزرگان آن رشته‌به‌آثار ودستاوردهای تخصصی ورهاوردهای علمی‌شان و آثاری که‌ازخودبه‌جا گذاشته‌اندشناخته‌می‌شوند؛هرچنداین دستاوردهاتمامی شخصیت این‌افرادارایا مانمایان نمی‌کند. برای ترسیم‌چهره‌معنوی واخلاقی حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی‌اکبر الهی‌خراسانی پای صحبت‌های فرزندشان علی الهی‌خراسانی نشستیم تا‌از سلوک فردی اخلاقی و معنوی ایشان بیشتر بدانیم. مشروح گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

■به‌منظور ترسیم‌چهره اخلاقی ایشان بفرمایید ازمنظر شما برجسته‌ترین خصوصیات اخلاقی زنده‌یاد الهی‌خراسانی چه بود؟

در توضیح سلوک اخلاقی ایشان چند ویژگی بارز را می‌توان بیان کرد. نخست اینکه ایشان بسیار شخصیت روادار و گشاده‌ای داشتند و اهل احترام و توجه به دیگران بودند. به عنوان مثال در محیط کار با روی باز از دیگران استقبال می‌کردند و دیگران ایشان را اهل گفت‌وگو می‌دانستند. طلبه‌های جوان اگر نوشته‌ای داشتند به‌راحتی سراغ ایشان می‌آمدند و زمینه پرورش و چاپ آثار این افراد فراهم می‌شد. انصاف یکی دیگر از نکات اخلاقی است که در داوری‌ها درباره دیگران در منش ایشان وجود داشت. پدر اهل برشمردن خصوصیات منفی دیگران نبودند و از همه افراد به‌خوبی یاد می‌کردند؛ به خاطر همین خصوصیات، طیف‌های مختلف فکری و سیاسی امکان حضور و تبادل آرا و افکار را نزد ایشان و در محیط کاری‌شان داشتند. می‌بینیم آقای دکتر ایرج افشار به منظور گفت‌وگوی علمی با مرحوم پدر در بنیاد حضور پیدا می‌کردند و از سوی دیگر مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی هم در بنیاد حضور می‌یافتند و جلسات علمی با مرحوم پدرم داشتند و همین‌طور افراد دیگر و اساتید مختلف دانشگاه.

■در زندگی شخصی‌چطور، کدام خصوصیت برجسته بود؟

ایشان در موارد مالی بسیار اهل احتیاط بودند. به عنوان مثال پس از فوت‌شان استاد و نامه‌هایی پیدا کردم که ما به‌زای مالی تمام اضافه‌کاری‌ها و استفاده نکردن از مرخصی‌ها و مأموریت‌ها را به بنیاد برگردانده بودند و در یادداشت‌های ایشان موارد جزئی وجود دارد که بیانگر دقت ایشان است؛ مثلاً چون یک نامه شخصی به تهران فکس کردند، هزینه فکس را به بنیاد پرداخت کرده‌اند. وقتی بنیاد پژوهش‌ها منتقل شد ایشان با همان وسایل قبلی سر کار می‌رفتند و حتی از تعویض صندلی‌ها خودداری کردند، کما اینکه مطلع هستم افاق ایشان برعکس خیلی از اتاق‌های مدیران بسیار ساده بود. تأسیس صندوق قرض الحسنه طلاب حدود سال ۴۱ از اقدامات مؤثر و خیر ایشان است. صندوقی که می‌توان گفت نخستین قرض الحسنه در ایران محسوب می‌شود و به اذعان و اعتراف کارمندان‌ایشان حتی یک قند از صندوق برای چای خوردن مصرف نکردند. مدیر داخلی صندوق خاطره‌ای نقل می‌کرد که پدر همیشه با خودکار شخصی امضا‌های مربوط به اسناد را انجام می‌دادند ولی یک روز حواسشان نبوده و یک امضا را با خودکار مؤسسه انجام می‌دهند و هنگام رفتن به فرض



تاریخ شفاهی

میراث علمی و معنوی «الهی خراسانی (علیه‌السلام)» به روایت آرشیو تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی

طلبگی‌ام، مرحوم آقاشیخ مجتبی قزوینی رضوان‌الله تعالی علیه‌داشتند.

■بنیادی که آثارش آبروی آستان بود

در خصوص بنیاد پژوهش‌ها از آنجا که بنده مسئول این مؤسسه هستم خیلی نمی‌توانم بگویم، ولی به مقداری که واقعیتی هست باید عرض کنم، لاقلاً از نگاه دیگران و شخصیت‌های ممتاز و برجسته علمی داخل کشورو خارج کشور که معمولاً از بنیاد بازدید دارند. انصافاً بنیاد پژوهش‌ها یکی از مؤسسات بسیار موفق کشور است. در چندین گروه تخصصی، گروه قرآن، حدیث، فقه، کلام و فلسفه، تاریخ اسلام، تراجم و انساب، کتاب‌شناسی، ادبیات کودک و نوجوان و دیگر گروه‌های تخصصی که در این مؤسسه داریم، موفق شدیم آثار متعدد و متنوعی چاپ کنیم که رقم آن به بیش از ۲ هزار عنوان کتاب می‌رسد. بعضی از کتاب‌ها تا ۲۰ مرتبه چاپ شده و بیش از ۵۰ عنوان کتاب ما به عنوان کتاب برتر شناخته شده است. مثلاً به عنوان کتاب سال، کتاب برگزیده جشنواره فردوسی، جشنواره کتاب سال ولایت قم، دین پژوهی، قرآن پژوهی و....

در میان این آثار برجسته، به‌خصوص المعجم فی فقه لغت القرآن که فقه‌بلاغتی است مورد تشویق رهبر معظم انقلاب قرار گرفت. زمانی که به محضر ایشان شرفیاب شده بودم، جلد ۱۰ کتاب را خدمتشان تقدیم کردم، فرمودند این کتاب‌رامن، کاملاً می‌بینم و حتی با آنچه مصری‌ها، که نسبتاً موفق‌ترین کشور اسلامی در زمینه علوم قرآنی بودند، همقایسه می‌کنم نظیر این کتاب را آن‌ها ندارند. در ادامه فرمودند حتی این اسمی که شما برای این کتاب گذاشتید برای این کتاب کم است، المعجم یک کتاب لغت که فقط نیست، یک دایرة‌المعارف است یک موسوعه است و لذا ما در جلد‌های بعدی به پیشنهاد رهبر معظم انقلاب آن کلمه الموسوعه القرآنیة الکبری را بالای جلد آوردیم و اسم المعجم را حفظ کردیم.

کتاب دیگر مقررات راغب است، کتابی در چند جلد که افراد بسیاری در بیست و چند سال روی آن کار کردند که حالا شرح مفصل است و من نمی‌خواهم وقت را بگیرم، والا باید بگویم واقعاً آبروی نه تنها نظام آستان قدس و این هاست، بلکه آبروی شیعه است. یعنی کتابی است که در کل جهان اسلام مطرح شده است.

محمدحسین مروج کاشانی | آرشیو تاریخ شفاهی مدیریت

امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی به عنوان واحدی مجزا در اواخر سال ۱۳۷۶ شمسی زیر نظر رئیس اداره اسناد این مدیریت شروع به فعالیت کردو از آن زمان تاکنون با انجام مصاحبه‌ها، کسب اطلاعات تاریخی و آماده‌سازی و ارائه آن به محققان در چارچوب اولویت‌های موردنظر سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، به عنوان یکی از مراکز تاریخ شفاهی در سطح کشور مطرح است. به بهانه درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر الهی‌خراسانی(ره)، نخستین مدیرعامل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، سری به آرشیو تاریخ شفاهی مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی زدیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، بخش‌هایی به اختصار از سخنان این عالم ربانی و چهره علمی و برجسته آستان قدس رضوی در گفت‌وگو با بخش تاریخ شفاهی این مدیریت بوده که در سال ۱۳۸۶ شمسی انجام شده است. گفتنی است، در تهیه این گزارش مختصر و ویرایش شده، از راهنمایی و مساعدت محمد نظرزاده، کارشناس ارشد تاریخ تشیع و کارشناس مسئول بخش تاریخ شفاهی در مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی بهره گرفته شده است.

■ معرفی «الهی خراسانی(ره)» از زبان خودش

من ششم بهمن ۱۳۳۱ شمسی در شهر نیشابور و در خانواده‌ای مذهبی متولد شدم و چهارمین فرزند خانواده هستم. پدرم معمار شهر و آدمی مذهبی و اهل نماز، مسجد و هیئت بود. هنوز از مجالس مذهبی که در منزل ما برگزار می‌شد، خاطراتی در ذهن دارم. دوره ابتدایی را در نیشابور گذراندم. پدرم مرا مخیر کرد، اما گفت دلم می‌خواهد طلبه شوی. دیدم اگر دبیرستان بروم که پدرم راضی نیست، برای همین برای فراگیری دروس طلبگی در نیشابور به مدرسه گلشن رفته‌م و شروع به تحصیل دروس حوزوی کردم. پس از گذراندن دوره مقدماتی طلبگی و با موافقت پدرم، گمان کنم سال ۱۳۳۷ شمسی بود که به مشهد مقدس رفتم و در مدرسه میرزا جعفر، نزدیک حرم مطهر امام (رض‌ع) اتاقی گرفتم، چون طلبه‌های نیشابوری در آنجا ساکن بودند. در مشهد خدا لطف کرد از همان ابتدا با افرادی مانند آقایان توحیدی، نورانی، غرویان (امام جمعه سابق نیشابور)